

# یک، دو، سه، ... یا بی نهایت؟

## «آشنایی با مراکز مالی دنیا»

مراکز مالی در سرتاسر تاریخ دیده می شوند. از شهرهای تقریباً افسانه‌ای و مراکز ترانزیت کالا در عهد باستان مانند بابل، سمرقند، قسطنطنیه و تیمبوکتو گرفته تا لندن، نیویورک، پاریس، توکیو یا شانگهای در عصر حاضر. البته بسیار دشوار است درایم واحد مناسب برای تحلیل مراکز مالی چیست؟ آیا ما باید این مراکز را در سطوح فرهنگی (انگلو ساکسون، چینی، قاره اروپایی و آسیایی) تقسیم بندی کنیم یا بر مبنای ملیت (ایالات متحده، انگلستان، آلمان و ژاپن)؟

یکی از مشاهدات جالب در مورد مراکز مالی آن است که این شهرها به عنوان هدایت کنندگان اقتصاد کشورشان شناخته می شوند. شهرهایی که مردم برای تجارت به آنجا می روند یا به خاطر تجارت در آنجا زندگی می کنند. یک شهر، تلفیق منحصر به فردی از شرایط اقامتی، صنعتی، بازرگانی و فعالیت های حکومتی است. شهر به واسطه تلفیقی از عوامل چون تراکم جمعیت، گستردگی، اهمیت اجتماعی یا شرایط قانونی از سایر اقامتگاه های انسانی متمایز می شود. در این مطالعه واحد تحلیل برای یک مرکز مالی «شهر» است. البته تعریف شهر هم چندان آسان نیست چون شهر دربرگیرنده فرهنگ، مردم و روش زندگی آنها است که به آسانی نمی توان آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

یک شرکت کننده در بررسی «انجمن شهر لندن» پیرامون مبنای تعریف یک مرکز مالی، عقیده دارد ممکن است یک نفر بر واژه «جهانی» تمرکز و شهرهایی هم چون بانگوک، پکن، بروکسل، شیکاگو، هنگ کنگ، ژوهانسبورگ، لندن، مسکو، مومبای، نیویورک، لس آنجلس، پاریس، ساوپائولو، سنول، شانگهای، سنگاپور، سیدنی، توکیو و تورنتو را به طور عمده به عنوان شهرهای

جهانی معرفی کند. دانشگاه «لامبرو» انگلستان نیز در قالب گزارشی به نام «جهانی شدن، گروه مطالعاتی شهرهای دنیا»، مراکز مالی عمده دنیا را بر حسب میزان اهمیت شان به شکل زیر طبقه بندی کرده است. این بررسی به طور وضوح نشان می دهد شهرهای لندن و نیویورک در حال فاصله گرفتن از سایر مراکز مالی دنیا هستند.

طبقه بندی مراکز مالی دنیا  
گروه آلفا:

رتبه	شهرها
۱۲	لندن، نیویورک، پاریس و توکیو.
۱۰	شیکاگو، فرانکفورت، هنگ کنگ، لس آنجلس، میلان و سنگاپور.

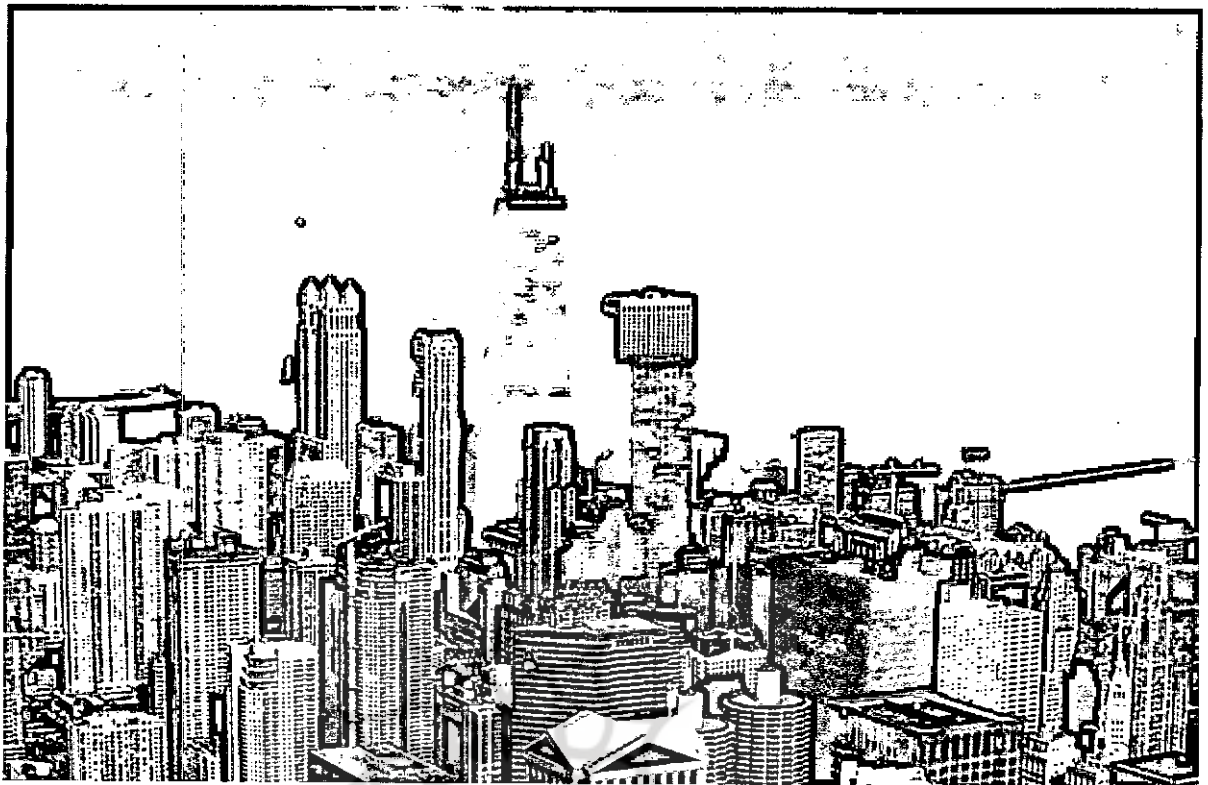
گروه بتا:

رتبه	شهرها
۹	سان فرانسسکو، سیدنی، تورنتو و دویچ.
۸	بروکسل، مادرید، مکزیکو سیتی و ساوپائولو.

گروه گاما:

رتبه	شهرها
۶	آستراخ، بوستون، کاراکاس، دلاس، دوسلدورف، ژنو، هیوستون، جاکارتا، ژوهانسبورگ، مطرون، اوژاکا، پراگ، سانتیاگو، قاپه و واشنگتن دی سی.
۵	بانگوک، پکن، مونترال، رم، استکهلم و وین.
۴	آتلانتا، بارسلون، برلین، بوئنوس آیرس، بوداپست، کپنهاگ، هامبورگ، استانبول، کولامبور، مانیل، ملبورن، مینیاپولیس، مونیخ و شانگهای.

مطالعه «انجمن شهر لندن» در سال ۲۰۰۵ به سنجش شباهت ها و بررسی ویژگی شهرهای لندن، نیویورک، فرانکفورت و پاریس در سال ۲۰۰۳ پرداخته است. گزارش اخیر شش عامل رقابتی عمده - نیروی کار ماهر، شرایط قانون گذاری مناسب، رژیم مالیاتی، پاسخ گویی دولت، مهارت های قانون گذاری و شرایط زندگی - را مورد بررسی قرار داده بود در حالی که بررسی سال ۲۰۰۵



به ۱۴ عامل پرداخته است.

مطالعه «انجمن شهر لندن» در سال ۲۰۰۳ به مقایسه و بررسی ۴ مرکز مالی عمده دنیا - لندن، نیویورک، پاریس و فرانکفورت - می پردازد اما گزارش سال ۲۰۰۵ حدود ۵۴ شهر از ۱۸ کشور دنیا را که توسط ۳۶۵ پرسش شونده معرفی شده بود، در بر می گیرد. علاوه بر این؛ ۳۲ مصاحبه نیز به صورت رو در رو با مردم ۴ شهر صورت گرفت تا مشخص شود مردم درباره مسایل مختلف چه احساسی دارند.

#### مرکز مالی یعنی چه؟

البته اگر بتوان ۵۴ شهر را به عنوان مرکز مالی مشخص کرد، احتمالاً می توان در آن میان یک شهر را به عنوان مرکز مالی بین المللی

برگزید. یک مرکز مالی جهانی جایی است که در آن شاهد تمرکز شدید طیف وسیعی از امور مالی و بازرگانی بین المللی و معاملات هستیم. شهر همپتون در برمودا را می توان یک مرکز مالی بین المللی مبتنی بر بیمه اتکایی<sup>۱</sup> دانست اما این شهر یک مرکز مالی بین المللی نیست. سیدنی ممکن است مرکز بین المللی استرالیا به شمار آید ولی هیچگاه یک مرکز مالی بین المللی محسوب نمی شود. یک موضوع عمده در بررسی «انجمن شهر لندن» این است که لندن و نیویورک به تدریج از سایر شهرهای دنیا فاصله می گیرند. یکی از مصاحبه شوندهگان در همین رابطه گفته است: «اهمیت لندن و نیویورک هنوز رو به افزایش است.»

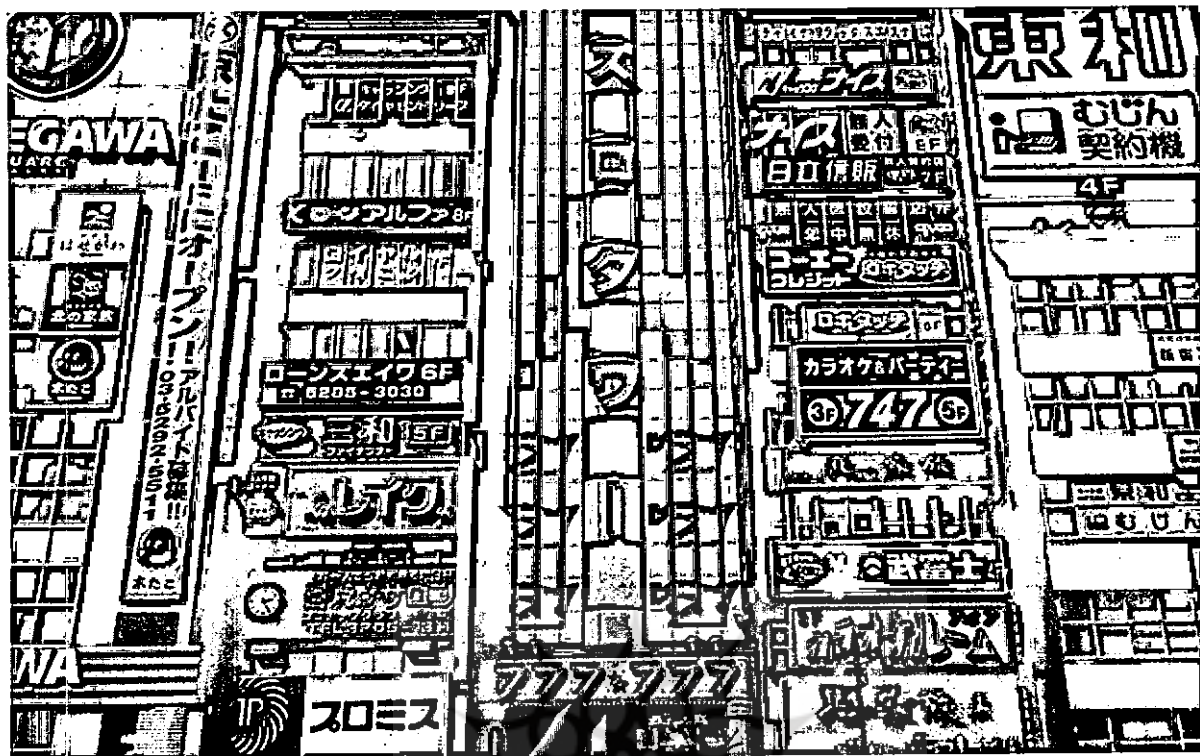
و فرانکفورت. تحقیقات آینده باید روابط میان دو مرکز مالی جهانی و سایر مراکز مالی پیشتاز دنیا از قبیل دویلین، برمودا، زوریخ، توکیو و سایر مراکز مالی منطقه ای را آشکار سازد. بعد از تایید برتری لندن و نیویورک به عنوان دو مرکز مالی بزرگ دنیا، شرکت کنندگان در این تحقیق باید به ویژگی های ۵۲ مرکز مالی در سایر نقاط دنیا هم اشاره می کردند از جمله به فعالیت های بین المللی حداقل در دو حوزه قضایی متفاوت. اغلب فعالیت های بین المللی چندین منطقه و چندین حوزه قضایی را در بر می گیرد. به عنوان مثال یک معامله ارزی میان یک بانک رهنی در سیدنی و یک بانک خرده فروشی در سنگاپور دارای جنبه بین المللی است.

#### زیر فشار رقابتی

۵/۳۷	۱	دسترسی به نیروی کار ماهر
۵/۱۶	۲	فضای قانون گذاری

در اینجا لازم است به نکاتی در رابطه با روش شناسی گزارش ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ اشاره شود. مثلاً مقایسه لندن و نیویورک با پاریس

1 - Reinsurance-



۵۰۸	۳	دسترسی به بازارهای مالی بین المللی
۵۰۱	۴	دسترسی به زیرساخت های بازرگانی
۶۹۰	۵	دسترسی به مشتریان
۶۶۷	۶	یک فضای تجاری منصفانه
۶۶۱	۷	مسئولیت پذیری دولت
۶۷	۸	رژیم مالیاتی شرکت ها
۶۲۸	۹	هزینه های عملیاتی
۶۳۳	۱۰	دسترسی به ارائه کنندگان حرفه ای خدمات
۶۳۰	۱۱	کیفیت زندگی
۶۱۸	۱۲	عوامل فرهنگی و زبان
۶۰۲	۱۳	کیفیت و دسترسی به خدمات بازرگانی
۳۸۹	۱۴	رژیم مالیاتی اشخاص

از جدول فوق چنین بر می آید که در سال ۲۰۰۳ دسترسی به نیروی کار ماهر و فضای قانون گذاری مطلوب دو عامل عمده تعیین کننده به حساب می آمد. این نکته نیز حائز اهمیت است که مردم اعتقاد پیدا کنند پاسخ گویی دولت، رژیم مالیاتی شرکت ها و رژیم مالیاتی اشخاص هم در خلال چند سال آینده ارتباط نزدیک تری با دو عامل

دسته اول پیدا خواهند کرد. گرچه در حال حاضر دو مورد آخری در رده بندی اولویت ها در رتبه بندی های پایین تری قرار می گیرند. زیرساخت های بازرگانی و دسترسی داشتن به بازارهای مالی به طور آشکار ارتباط کمتری با عوامل یادشده دارند. جالب اینجا است که علاقه روشنی به پیوستگی و ارتباط میان بازار داخلی و مرکز مالی بین المللی وجود دارد. در ادبیات دانشگاهی مراکز مالی، تمرکز عامل بسیار با اهمیتی تلقی می شود. در نقطه مقابل در تعدادی از بررسی ها که در دهه ۱۹۹۰ و ۱۹۸۰ صورت گرفته، ارتباط بازارهای داخلی با لندن و نیویورک چندان با اهمیت تلقی نشده است. شاید لندن به خاطر دو ماهیتش مورد تحلیل قرار گرفته باشد: مرکز مالی بین المللی و مرکز مالی داخلی و تاثیر این دو بر هم را ناچیز عنوان کرده اند.

بعد از حادثه یازدهم سپتامبر، بازارهای مالی جهانی به تمرکز مراکز مالی وابستگی شدیدتری پیدا کردند. نیویورک و لندن هم

از لحاظ سرمایه گذاری در بازارهای سهام در رده های بالا طبقه بندی می شوند و هم از لحاظ کیفیت خدمات مربوط به شرکت های خصوصی سازی شده. توکیو، فرانکفورت و پاریس از لحاظ تمرکز دفاتر مرکزی بانک های بازرگانی و موسسات مالی دنیا در رده های بالا قرار می گیرند اما اگر تمرکز دارایی های ۲۵ شرکت برتر دنیا در زمینه اوراق بهادار را لحاظ کنیم، قطعاً نیویورک از جایگاه ویژه ای برخوردار خواهد بود. بخش خدمات شرکت ها هم در هر یک از این دو شهر به طرز قابل توجهی متنوع است. لندن و نیویورک بزرگترین صادر کنندگان خدمات حسابداری هستند. به عبارت دیگر توکیو و پاریس به ترتیب در جستجوی تصاحب ۳۳ و ۱۲ درصد دارایی های ۵۰ بانک بزرگ دنیا هستند. لندن و فرانکفورت به دنبال کسب ۱۰ درصد و نیویورک در جستجوی به

بعد از حادثه یازدهم سپتامبر ،  
بازار های مالی جهانی به تمرکز  
مراکز مالی وابستگی شدیدتری  
پیدا کردند. نیویورک و لندن هم از  
لحاظ سرمایه گذاری در بازارهای  
سهام در رده های بالا طبقه بندی  
می شوند و هم از لحاظ کیفیت  
خدمات مربوط به شرکت های  
خصوصی سازی شده.

رتبه	شهر	شاخص
۳۵	ژنو	۵۸۰۰۵
۳۶	پکن	۵۷۸۶۶
۳۷	توکیو	۴۶۶۶۱
۳۸	کوالالمپور	۴۴۸۸۲
۳۹	سنگاپور	۴۴۴۴۶
۴۰	دبی	۴۳۷۷۵
۴۱	پراگ	۴۳۷۵۵
۴۲	مکزیکوسیتی	۴۳۳۳۵
۴۳	روم	۴۳۲۱۸
۴۴	تل آویو	۴۲۰۰۰
۴۵	مومبای	۴۱۷۷۰
۴۶	پکن	۴۱۷۴۴
۴۷	ژوهانسبورگ	۴۱۶۳۷
۴۸	سئول	۴۱۶۱۴
۴۹	ورشو	۴۰۶۵۶
۵۰	مسکو	۴۰۶۵۳

دست آوردن ۹ درصد این دارایی ها هستند.  
با وجود این که تمرکز و پیوستگی به عنوان  
اصلی ترین ویژگی نظام های مالی بین المللی  
شناخته می شوند ولی وجود شبکه ای از  
مراکز مالی بین المللی برای عملکرد مناسب  
بازارها و شرکت ها بسیار حیاتی تلقی می  
شوند.

۵۰ مراکز مالی معتبر دنیای

رتبه	شهر	شاخص
۱	لندن	۷۷۸۶۶
۲	نیویورک	۷۳۸۰
۳	توکیو	۶۷۰۰۹
۴	سنگاپور	۶۷۱۱۹
۵	هانگ کنگ	۶۶۳۲۲
۶	سئول	۶۱۶۵۵
۷	فرانکفورت	۶۱۶۳۴
۸	پاریس	۶۱۶۱۹
۹	سئول	۶۱۶۰۰
۱۰	لس آنجلس	۵۹۰۰۵
۱۱	استرلینگ	۵۷۳۰
۱۲	نیویورک	۵۷۲۱۱
۱۳	یوسون	۵۶۴۷
۱۴	سئول	۵۶۳۶
۱۵	کپنهاگ	۵۶۱۴
۱۶	ماریه	۵۶۰۰۶
۱۷	لس آنجلس	۵۶۰۰۱
۱۸	سان فرانسسکو	۵۶۳۶
۱۹	زوریخ	۵۶۳۳
۲۰	اتلانتا	۵۶۱۹
۲۱	مبئی	۵۳۸۶
۲۲	هوسون	۵۲۸۶
۲۳	وینسنتین دی سی	۵۲۶۸
۲۴	برلین	۵۲۲۴
۲۵	میلان	۵۲۲۳
۲۶	سئول	۵۱۸۴
۲۷	مونترو	۵۱۳۴
۲۸	توکیو	۵۱۱۰
۲۹	بروکسل	۵۱۰۵
۳۰	وین	۵۰۸۴
۳۱	سولیا	۵۰۸۲
۳۲	سئول	۵۰۲۳
۳۳	پاریس	۵۰۱۵
۳۴	ملبورن	۴۸۸۹

یک مرکز مالی بین المللی رشد می کند ،  
کارکنانش مهارت به دست می آورند ، به  
سمت مشاغل جدیدی کشیده می شوند ،  
دسترسی به نیروی کار ماهر افزایش می یابد  
و در نتیجه ، امکان دسترسی به رشد بیش تر  
مراکز مالی بین المللی را فراهم می سازند.  
به زودی اشتیاق جویندگان مشاغل خدمات  
مالی به سمت مراکز مالی دیگر کشیده می  
شود و این مراکز شهرت می یابند که در  
آنجا می توان به کارکنان با کیفیت بالا دست  
یافت.

کارکنان مراکز مالی بین المللی به سختی  
حاصل می شوند ، نگهداری آنان دشوار  
است و مسلماً باید به دشواری هم می توان  
آنهارا مدیریت کرد. اگر خواهان اراده  
خدمات عالی هستیم باید بدانیم کارکنان  
خوب، ارزشمند هستند. تحقیقات نشان  
می دهد کارکنان متبحر و مجرب مراکز  
مالی بین المللی به طرز چشم گیری نسبت  
به کارکنان مالی منطقه ای برتری دارند و در  
حد استانداردهای بین المللی کار می کنند.  
به همین دلیل بهره وری در مرکز مالی بین  
المللی ممکن است بالاتر از بهره وری در  
مراکز مالی منطقه ای باشد. در حقیقت ،  
شاید بتوان گفت غیر ممکن است بدون بهره

گیری از مجموعه ای از نیروهای انسانی ماهر  
در زمینه خدمات مالی بین المللی به ویژه در  
لندن و نیویورک به امور بازرگانی پرداخت.

عامل بسیار مهم دیگر ، فضای قانون گذاری  
است. ما یک مزیت جالب را می توانیم در  
مورد لندن مشخص کنیم. یک دست نوشته  
از سال ها قبل نشان می دهد لندن به دلیل دارا  
بودن « هیات خدمات مالی »<sup>۲</sup> و دستورالعمل  
های مناسب نسبت به سایر رقبای خود از  
مزیت های روشنی برخوردار است.

در برخی از زمینه ها مزایای قانون گذاری  
نمی تواند چندان جای شگفتی داشته باشد.  
شاید لندن از مزیتی به نام « اثر ویمبلدون »<sup>۳</sup>  
برخوردار باشد که سبب می شود این شهر در  
رقابت با سایر رقبایش به محل مناسبی برای  
مبادلات و قانون گذاری در سطح محلی و  
بین المللی تبدیل شود. به این ترتیب لندن  
نقش های متفاوتی هم چون بازار مستقل

2 - Financial Services Authority-

3 - Wimbledon Effect-

مطالعه «انجمن شهر لندن» در سال ۲۰۰۳ به مقایسه و بررسی ۴ مرکز مالی عمده دنیا - لندن، نیویورک، پاریس و فرانکفورت - می پردازد اما گزارش سال ۲۰۰۵ حدود ۵۴ شهر از ۱۸ کشور دنیا را که توسط ۳۶۵ پرسش شونده معرفی شده بود، در بر می گیرد.



داخلی یا مرکز مالی بین المللی را به طور توأم دارا است.

به یاد داشته باشیم لندن به عنوان یک مرکز مالی بین المللی به واسطه بازارهای یورو دلار رشد کرد در ابتدای قرن بیستم با حاکمیت روحیه انزواطلبی و سیاست عدم مداخله در امور بین المللی در آمریکا، قانون گذاران این کشور هراس داشتند در امور بین المللی مداخله کنند لذا حجم بالایی از دلار و دارایی ها خارج از دسترس و تملک آمریکایی ها قرار داشت ولی بازارهای اروپا به طور ویژه ای جذاب بود زیرا از این بازارها همواره مقادیر بالایی سود حاصل می شد. در دهه ۱۹۸۰ شرکت های آمریکایی تصمیم گرفتند در خارج از مرزهایشان به فعالیت بپردازند. آن ها بازارهای اروپایی را یافتند که برای شرکت های بزرگ این کشور در دسترسی به نقدینگی دارای مزایای فراوانی بود. از یک سو وام های کوتاه مدت را در اختیارشان قرار می داد و از سوی دیگر هم برای امور صادرات

و واردات، خدمات تامین مالی صورت می داد.

در مجموع، بیش از ۸۰ درصد پاسخ دهندگان اعتقاد داشتند فضای قانون گذاری یکی از مهم ترین عوامل در شکل گیری مرکز مالی محسوب می شود و پاسخ گویان خارج از انگلستان هم تاکید فراوانی بر این مسئله داشتند و ۵۷ درصد افراد تاثیر فضای قانون گذاری را حیاتی و غیر قابل انکار ارزیابی کردند. این ارقام با پاسخ گویان انگلیسی قابل مقایسه است که فقط ۳۹ درصد چنین اعتقادی داشتند. هم چنین بیش از ۶۰ درصد بانک داران بین المللی بر این عقیده بودند که فضای قانون گذاری مناسب از اهمیت بالایی برخوردار است ولی فقط ۳۵ درصد بانک داران انگلیسی چنین باوری داشتند. اهمیت فضای قانون گذاری را در مقایسه لندن و نیویورک و نیز پاریس و فرانکفورت می توان مشاهده کرد. بیش از ۹۰ درصد پاسخ دهندگان فضای

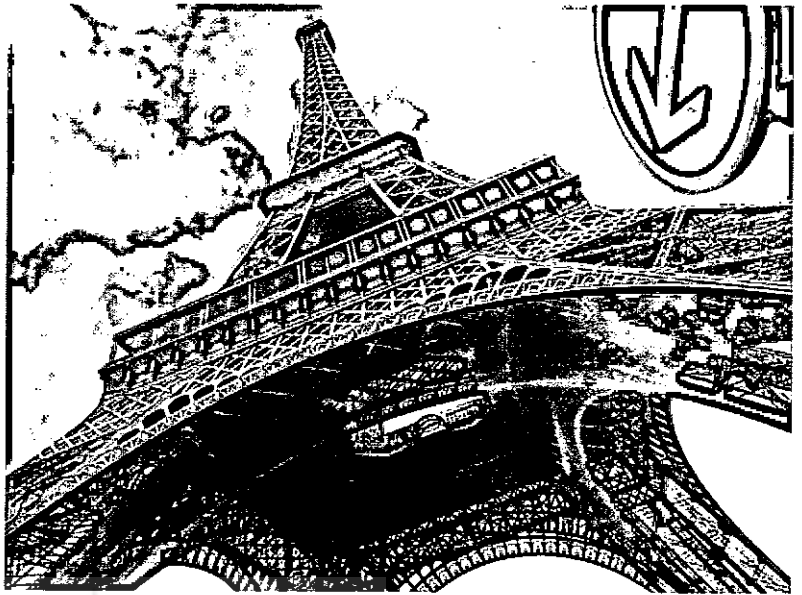
قانون گذاری لندن و نیویورک را در رده خوب یا عالی طبقه بندی کرده بودند. برخی از مصاحبه شوندهگان عقیده داشتند وجود فضای رقابتی میان لندن و نیویورک کم تر منجر به جابجایی کارکنان از این دو شهر به سایر مناطقی شده که به امور مالی اشتغال دارند و کاهش هزینه ها را موجب شده است. هم چنین انعطاف پذیری بسیار بالایی را در بازار کار لندن و شهرهای پاریس و فرانکفورت شاهد هستیم. این امر نه تنها در مسئله هزینه های کارکنان بلکه در تاثیر مجموع هزینه های اشتغال هم باید جستجو کرد.

اگر هزینه های عملیاتی را صرفاً در مسئله بهره وری خلاصه کنیم چرا خدمات مالی و بازرگانی برای کاهش هزینه های شان به برون

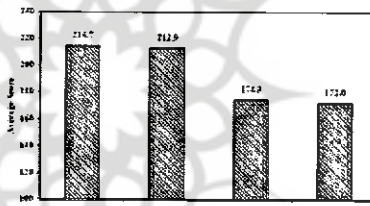
و از هر نقطه دنیا مسئله موقعیت مکانی و جغرافیایی را تحت تاثیر قرار داده است. اگر انواع خاصی از مبادلات نیازمند مرکز مالی بین المللی هستند بنابراین لندن یا نیویورک هم چنان باید در حال پیش بینی آینده باشند.»

در دهه ۱۹۹۰ اجماعی شکل گرفت مبنی بر این که لندن، نیویورک و توکیو سه مرکز مالی بین المللی هستند. اما اکنون فقط نیویورک و لندن این عنوان را با خود دارند اما این امکان وجود دارد که در آینده این فهرست هم تغییر کند. اما سؤال مهم تر این است که در وضعیت کنونی ما به یک مرکز مالی جهانی احتیاج داریم یا چند مرکز؟ در خلال ۱۵ سال گذشته تعداد این مراکز از سه مرکز به دو شهر کاهش یافته است حال کدام یک از این دو شهر می تواند این اطمینان را به ما ببخشد که در آینده تنها مرکز مالی دنیا خواهد بود؟

ما می توانیم پاسخ دهیم که لندن به خاطر مزایایش و نیز «اثر ویمبلدون» خواهد توانست این عنوان را به خود اختصاص دهد. هم چنین می توانیم استدلال کنیم نیویورک به دلیل نزدیکی با بزرگ ترین بازار دنیا و حجم بالای نقدینگی می تواند در نهایت از این مصاف پیروز از میدان خارج شود چون اندازه بازار داخلی آمریکای شمالی می تواند موفقیت نیویورک را تضمین کند. ما می توانیم پیش بینی کنیم اروپا به عنوان بازار داخلی لندن به حساب خواهد آمد (درست همانند بازار آمریکا برای نیویورک) اما هر دوی این شهرها با تهدید جدیدی روبرویند: رشد مرکز مالی بین المللی چین غیر قابل اجتناب است. شاید همانند رشد و توسعه بازارهای اروپا، چین هم نیازمند بازاری در خارج از مرزهای ملی خود باشد ولی این بازار در کدام شهر مستقر خواهد بود: هنگ کنگ، سنگاپور، تایپه، سیدنی، توکیو یا دوی و یا این بازار توسط لندن و نیویورک تعریف خواهد شد؟



### میانگین امتیازها



از این حیث؛ شهرهای پاریس، فرانکفورت، نیویورک و لندن به ترتیب در رده های چهارم، سوم، دوم و نخست قرار می گیرند. در حالی که فقط تفاوت اندکی را در اهمیت لندن و نیویورک مشاهده می کنیم ولی این شهرها با پاریس، فرانکفورت، توکیو و یا هر مرکز مالی منطقه ای دیگر اختلاف معنی داری پیدا می کند. در آینده فهرست شهرهایی که در ردیف «بنا» طبقه بندی شده اند ممکن است طولانی تر هم بشود. یک پرسش شونده سرگردانی و بهت خود را چنین توصیف می کند:

«در این مطالعه لندن، نیویورک را از مقام نخست کنار زده است در سال ۲۰۰۳ نیویورک بر لندن پیشی گرفته بود. به یاد داشته باشیم اکنون امکان انجام معامله به صورت الکترونیک

سپاری و فعالیت در فراسوی مرزها اهتمام می ورزند؟ چرا پاسخ دهندگان پیرامون هزینه های بالای اشتغال نگرانی احساس نمی کنند؟ لندن از حیث هزینه های اشتغال همواره در رده های بالا طبقه بندی می شود ولی پاسخ دهندگان به این عامل مهم توجهی ندارند. یکی از افراد به نکته جالبی اشاره کرده بود:

شاید مهم ترین موضوع این باشد که مرکز مالی بین المللی از هزینه های ثابت بالایی برخوردار است شاید هزینه های خدمات مالی بسیار بر کارکنان متمرکز هستند به ویژه در دسترس بودن نیروی کار متبحر و مسئله بهره وری آنها. شاید هزینه های عملیاتی تابعی از مسائلی هم چون زیرساخت های تجاری است و زیرساخت های مناسب می تواند هزینه ها را توجیه کند.

برخی از پاسخ دهندگان هم نسبت به مسئله فقدان نوآوری ها احساس نگرانی می کنند و می گویند این مسئله می تواند موجب افزایش هزینه ها شود.